مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

پنجشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۰ -۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ -۱۱ نوامبر ۲۰۲۱ -سال بیستم -شماره ۵۵۷۵- ۸ صفحه -۵۰۰۰ تومان

همزمان با آزادی نفتکش ساتیس با حکم قضایی اعلام شد

روایت جدید سپاه از مقابله با آمریکایی‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از آزادی نفتکش توقیف شده ساتیس پس از تخلیه نفت جمهوری اسلامی ایران، در بندرعباس، با حکم قضایی خبر داد. به گزارش ایرنا، روز چهارشنبه ۱۲ آبان ماه با اقدام به موقع و مقتدرانه جان برکفان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملیات نیروی دریایی ارتش تروریست امریکا برای سرقت نفت جمهوری‌اسلامی ایران در دریای عمان ناکام ماند.

صفحه۲

نامه سرگشاده سه تشکل معلمان در مخالفت با وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش

صفحه۱

رئیسی:

حقوق افراد باید طبق قانون در سامانه ثبت شود

صفحه۲

معاون وزیر اقتصاد جزئیات تغییرات اساسی در بودجه ۱۴۰۱ را تشریح کرد

شناسایی ۶۰ میلیون نیازمند برای اعطای کارت خرید

معاون امور حقوقی و مجلس وزارت اقتصاد با بیان «قطعاً تفاوت‌های بودجه ۱۴۰۱ را در ردیف‌ها و کیفیت بودجه مشاهده خواهید کرد»، گفت: آیین‌نامه مجلس باید به‌نحوی اصلاح شود که وظیفه تعیین تکلیف لایحه بودجه به‌صورت کامل به‌عهده دولت باشد. هادی قوامی معاون امور حقوقی و مجلس وزارت امور اقتصادی و دارایی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، در پاسخ به سؤالی درخصوص تغییرات بودجه سال آینده به‌نسبت سال‌های گذشته با توجه به بخشنامه ابلاغ‌شده بودجه سال ۱۴۰۱ گفت...

صفحه۴

مدیرکل اداره دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو تشریح کرد

ماجرای پیش‌خرید از «فخرا» و «رازی»

صفحه۳

واشنگتن دنبال به بندکشیدن مهره‌های رئیس‌جمهوری سابق آمریکا است

جدال حقوقی فدرال با ترامپ

گروه بین‌الملل – علی ودایع: آمریکا هنوز کابوس تکرار حمله به کاپیتال را می‌بیند. واشنگتن تلاش می‌کند تهدید هواداران دیوانه ترامپ را کنترل کند. سیستم قضایی ایالات متحده همزمان با پررنگ شدن رئیس‌جمهوری سابق آمریکا در نظرسنجی‌ها، برای به بند کشیدن تیم ترامپ به میدان آمده است. به گزارش سی‌ان‌ان، برخی از اعضای تیم ترامپ به جرم ایفای نقش در ماجرای حمله به مجلس کنگره مورد پیگرد قرار گرفته است. رئیس‌جمهوری سابق یک دعوای حقوقی را برعلیه سیستم قضایی آمریکا آغاز کرده اما نه تنها متحمل شکست شد؛ بلکه برایش خط و نشان کشیدند. او به دنبال جلوگیری از دسترسی کمیته تحقیق مجلس نمایندگان به بیش از ۷۷۰ صفحه از اسنادی بود که پرونده‌های مارک مدوز، رئیس پیشین کارکنان کاخ سفید، استفن میلر، مشاور پیشین رئیس‌جمهوری و پاتریک فیلبن، از اعضای تیم مشورتی کاخ سفید در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ را در بر می‌گرفت. در این میان، براساس گزارش یک نهاد دولت آمریکا، ۱۳ تن از مشاوران ارشد وقت دولت ترامپ، رهبر سابق کاخ سفید، با نقض قانونی که مبارزات سیاسی کارکنان دولت را محدود می‌کرد، موجب شدند تا «تشکیلات انتخاباتی با پول مالیات‌دهندگان» در کاخ سفید ایجاد شود...

صفحه۷

گزارش «مردم سالاری» از سیاست‌های ناکارآمد برای رفع بحران پیری جمعیت

اقتصاد؛ قطعه گمشده پازل سیاست تشویق به فرزندآوری

صفحه ۳

سرمقاله

بنیادگرایی طالبانی، زنان قربانی و مرگ انسانیت و عشق در افغانستان

مریم گمشاد

در فلسفه سیاسی اسلامی فارابی حضور انسان‌ها در اجتماع و تعاون آنها برای رسیدن به سعادت است. مدینه فاضله فارابی برمبنای اقتدارگرایی بنا شده است، تکیه بر ساختار قدرت، تنها به شخص حکیم و فاضل فرصت می‌داد تا در راس حکومت قرار گیرد.

دوستی مبتنی‌بر شباهت‌ها یعنی آنچه که از نظر حکیم و دانشمند منجر به خیر و نیکی می‌شود، در برخی مواقع منجر به ظهور خشونت و در نتیجه منجر به ظهور گروه‌های افراطی همانند داعش، طالبان و... شده است. همانطور که در غرب نیز دوستی ارسطویی مبتنی‌بر شباهت‌ها منجر به خودشیفتگی و خودمحوری انسان مدرن شد و روح تعلق و خیرخواهی به اجتماع را کمرنگ کرده است. بزرگنمایی یک هویت دینی راه‌های ارتباط با دیگرهای مبتنی بر تفاوت را می‌بندد. از آنجایی که انسان‌ها موجودات اجتماعی هستند و اجتماع فرصتی است برای تبادل همکاری اما زمانی که روح خودشیفتگی افراطی در یک جامعه حکمفرما شود، آن جامعه در برابر قدرت فربه هر روز نحیف‌تر می‌شود. جامعه تک صدا ایدئولوژیکی شدن قدرت را تضمین می‌کند و گفت‌وگو را تنزل می‌دهد. تنوع فرهنگ، توسعه سینما، موسیقی، تنوع هنر، جهانگردی و ارتباطات شبکه‌ای فرصت را به تکثر هویت می‌دهد.

همانطور که آمارتیاسن معتقد است، انزوا و فقدان هویت‌های سازنده شخصیت، تکواره‌گی یک هویت را تقویت می‌کند و ارتباط با جهان پیرامون را کند می‌سازد به طوری که این امر زمینه خشونت در درون فرهنگ خود و مقاومت با دیگر فرهنگ‌های متفاوت را ایجاد می‌کند. تاکید بر هویت دینی افراطی و مذهبی کردن همه امور دنیوی از دلایل مخالفت مردم دنیا با طالبان در دنیای امروز است. این گروه افراطی که هویت دینی افراطی در آن‌ها رشد یافته و با هر گونه ترقی فرهنگی به مخالفت بر می‌خیزند، مخالفت با موسیقی، هنر، سینما و محدودیت‌های شدید برای فعالیت زنان و اقلیت‌ها از ویژگی‌های این گروه افراطی است. به طور مثال زن همزمان می‌تواند مسلمان، گیاه خوار، طرفدار و نوازنده موسیقی خاص، وکیل یا معلم بوده و خواهان ارتباط با دیگرهای متفاوت باشد و این هویت‌ها هیچ تزاحمی بر یکدیگر ایجاد نمی‌کند. همانطور که دوره‌های گذشته طالبان آزادی‌های زنان را جدی تلقی نکرده‌اند و زنان و دختران از حق تحصیل محروم بوده‌اند در شرایط فعلی نیز با قدرت‌گیری طالبان زنان با محدودیت‌های شدید مواجه‌اند به‌طوری که آزادی‌هایی مانند کار، تحصیل و... با موانع جدی مواجه شده است. رهبران طالبان به تعهدات‌شان با زنان از روی مسئولیت در برابر زنان عمل نکرده‌اند.

بنیادگرایی طالبانی و زنان قربانی در افغانستان دو مقوله‌ای است که همیشه در مقابل هم‌اند. اگر چهره زن افغانی و طالبان را براساس نظریه لویناس در نظر بگیریم زن افغانستانی در مقابل حکومت طالبانی همیشه قربانی ضرب و شتم نظام پدرسالارانه طالبانی قرار گرفته و مسئولیت در قبال زن در بین طالبان هیچ‌گاه به طور جدی شکل نگرفته است به طوری که مسئولیت نامتناهی در برابر زن از خشونت جلوگیری می‌کند. به بیان دیگر طالبان در برابر چهره زن اخلاقی عمل نمی‌کنند. لویناس راه علاج بحران‌های اخلاقی و خشونت‌های اخلاقی را تنها در یک چیز می‌بیند، عشق به دیگری که در قالب ایثار و فداکاری خود را نشان می‌دهد. اقدامات طالبان در برابر زنان ریشه تاریخی دارد. همواره این گروه‌های افراطی زن را به قدرت سیاسی‌شان پیوند داده‌اند و زن همواره در این نظام از آزادی بی بهره و وابسته به نظام مردسالاری بوده است. از نظر لویناس سیاست به‌دنبال خود اخلاق را می‌طلبد. سیاست همراه قدرت منشأ فساد خواهد بود و از نظر این اندیشمند اخلاق همواره پیشاپیش سیاسی است و بر مسئولیت نامتناهی قدرتمندان در برابر فقرا و ضعیفان تاکید می‌کند. به‌طوری که شکل ارتباط با امر زنانه را عشق تلقی می‌کند.

طالبان پس از قدرت‌گیری در هر خانه‌ای را می‌زدند و کودکان و زنان را به عقد خود در آوردند، آیا تجربه‌ای از عشق برای آنها باقی می‌گذارند؟ نه تنها آزادی حق تحصیل و کار را از آنها ستانده‌اند، بلکه با این رفتار، زن را وابسته به نظام مردسالار و تنها در نقش مادری و فرزندی باقی می‌گذارند. به موجب این امر مسئولیت همیشگی در برابر زنان تنها به عقد خود در آوردن و فرزندآوری و تداوم نسل طالبانی خلاصه می‌شود و تمام آزادی‌ها و توانایی‌های زنان از آن‌ها سلب می‌شود. اگر ریشه انسانیت و اخلاق را عشق بدانیم طالبان با رفتارهای اجبارآمیز ضربه مهلکی بر پیکره نیمه جان مردم افغانستان وارد کرده‌اند و عشق را در ظلمت و تاریکی رها کرده‌اند.

باتوجه به نظریه لویناس در رابطه خصوصی مرد و امر زنانه که مخفیانه و دور از چشم همگان بوده است، شخص سوم این رابطه را از خصوصی بودن خارج کرده و مساله رابطه را به عدالت تبدیل می‌کند، به طوری که عدالت از عشق آغاز می‌شود، عشق از خشونت جلوگیری می‌کند و در نظر لویناس امر زنانه همواره رازآلود باقی می‌ماند، همواره عدالت برتر از عشق خواهد بود و شخص عاشق قدرتمند در برابر ضعیفان، فقرا، بیوه و یتیم از مسئولیت نامتناهی برخوردار خواهد بود. متاسفانه در افغانستان و برخی از کشورهای خشونت‌محور، عدالت از عشق متولد نمی‌شود و عشق برای افراطیون همیشه ناشناخته است و ما همواره شاهد قدرت‌طلبی‌ها و خشونت‌ها خواهیم بود.

یادداشت

نسبت قانون با نهاد قدرت

محمد آخوندپور امیری*

یکی از چالش‌هایی که در گذار از تاریخ پر فراز و نشیب زیست سیاسی- اجتماعی بشریت همواره سوالات زیادی را در اذهان جمعی جامعه مردمان تداعی نموده نسبت میان نهاد قانون و نهاد قدرت یا حاکمیت است. این موضوع که قانون می‌بایست اهرمی باشد سراسر مطیع در اختیار نهاد قدرت یا آنکه نهاد قدرت باید خود را با چارچوب‌های قانونی و عرفی جامعه خود و نظام بین‌الملل تطبیق داده و مناسبات خود را در همین ابعاد حقوقی- قانونی تعریف کند اندیشه‌ای است که از دیرباز صاحب نظران بسیاری پیرامونش سخن گفته‌اند.

اگر بر آن باشیم تا شرحی هرچند مختصر درخصوص مفهوم‌پردازی هر دو واژگان قدرت و قانون ایراد نماییم اولین نکته‌ای که در ذهن آدمی تداعی می‌گردد معطوف به این گزاره است که قانون، یک برساخته اجتماعی است که دارای ساختارهایی مشخص جهت به نظم درآوردن امورات و اقدامات کارگزارن یک سرزمین است و مورد اجماع عمومی توسط مردم آن سرزمین قرار گرفته است. از طرف دیگر، قدرت امری است که پیوندی وثیق با وجه اجبار و زور دارد. ماکس وبر، اندیشمند حوزه اجتماع باور دارد که می‌بایست وجهی مشروعیت بخش به عنصر قدرت در ذیل نهاد دولت قائل شد و عنوان کرده که تنها دولت است که انحصار مشروع کاربرد زور در سرزمین مشخص را در اختیار دارد.

کارشناسان حوزه اجتماع و سیاست بر این باورند که ما در عصری زیست می‌کنیم که دیگر قدرت در شاکله‌ای عریان و آشکار نمی‌تواند تایید نهادهای مدنی داخلی و جامعه جهانی را با خود به همراه داشته باشد و میزان قابل توجهی از عنصر رضایت را باید با خود به یدک بکشد. بنابراین پایه‌های نهاد قدرت باید مبتنی بر رضایتی قابل قبول از سوی اتباع و شهروندان یک جامعه قرار گیرد. با مفهوم پردازی میان واژگان قدرت و قانون، ضروری است تا واژه «اقتدار» را نیز بررسی کنیم. اقتدار همواره در پیوند با قانون صورت‌بندی شده است. اقتدار همان وجهی ارزشی است که بر پیکره قانون نقش می‌بندد و آن را از تصوری اجبارآمیز که مُنقّش به ابزار زور است دور ساخته و آن را به وجهی قابل پذیرش و پذیرفتنی از سوی اتباع یک جامعه مبدل می‌سازد.

حال باید اشاره کرد که اشارات تاریخی درخصوص ارزش نهاد قانون در کاربست اقدامات دولت در میان نخبگان سیاسی کم نبوده است. میرزا یوسف خان تبریزی در رساله خود به نام «یک کلمه» ریشه مشکلات جامعه را در یک عنوان صورت‌بندی می‌کند و آن هم «نبود قانون» است. او باور دارد که ریشه بحران‌های این مرز و بوم را باید در نبود ساختارهای قانونی در جهت به نظم درآوردن اقدامات نهاد قدرت و جامعه متصور شد. شاید اگر او امروز در میان ما روزگار خود را سپری می‌نمود از حجم گسترده قوانین این مملکت که نتوانسته بسیاری از بحران‌های امروز ما را مرتفع سازد حیرت می‌کرد.

بنابراین صِرف وجود قوانین متعدد قطعا نمی‌تواند ما را در یک وضعیت مطلوب و قابل اتکا جهت برون‌رفت از بحران‌ها قرار دهد. در واقع شاید بتوان به این سوال که چرا و به چه دلیل با گسترده شدن قابل تامل محدوده قوانین ریز و درشت، همچنان از انباشتگی بحران‌ها رنج می‌بریم از ابعادی جامعه شناختی پاسخ دهیم.

آنچه قابل تامل است اینکه نه‌تنها در ایران بلکه بطور کلی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه‌ای و جهان سومی، قانون همواره نهادی در خدمت حاکمیت‌ها بوده است. به عبارت دیگر قانون ابزاری در جهت نرمالیزه نمودن نهاد قدرت بکار رفته است. بنابراین آنچه سایه سنگین آن را بر روح قوانین (از گذشته تا به امروز) در این کشورها بشدت احساس می‌کنیم شاید هیچ‌گونه نسبت معناداری با صورت کلی قوانین متعارف که در نظام جهانی قابل مشاهده است نداشته باشد. بنابراین صرف اطلاق نام قانون بر چند گزاره نمی‌تواند منجر به موجه نمودن بسیاری از تصمیات اتخاذ شده توسط ساختار قدرت سیاسی گردد.

آنچه که همواره در کشورهای جهان سومی به عینه صورتی از آن پیش روی تحلیل‌گران عرصه سیاست قرار دارد معطوف به این موضوع است که قانون در این کشورها بیش از آنکه وجهی مطلوب و قابل انتظار در جهت نهادینه نمودن کارویژه‌های ضروری نهاد قدرت داشته باشد یا به عبارتی نظم و نسقی ایده‌آل در نهاد قدرت را ایجاد کند، به ابزاری سودمند جهت موجه ساختن تصمیمات و اقدامات نهاد قدرت مبدل شده است. طبیعی است در سایه چنین کارویژه انتقادآمیز از نهاد قانون، نمی‌توان نظم سامان بخشی را در راس هرم قدرت و ساختار نظام تصمیم‌ساز سیاسی جامعه مشاهده کرد. زنگ خطر آن زمانی به صدا در خواهد آمد که این دلسردی نسبت به عدم دمیدن روح قانون متعارف در ساختار نهاد قدرت به لایه‌های زیرین جامعه نیز سرایت کند. آن زمان شاهد بروز و نمایش صورت‌های دهشتناکی از هرج و مرج، ناآرامی، بحران و ناهنجاری‌ها توسط بدنه جامعه خواهیم بود.

نتیجه آنکه با بهره‌گیری از تجربیات ارزشمند پیشین (چه در گستره سرزمینی دیار خودمان و چه در دیگر کشورها) باید ذهنمان آگاه‌تر از گذشته معطوف به تبعات عدم وجود نسبیتی معنادار میان آنچه که روح قانون نامیده می‌شود با تصمیمات نهاد قدرت یا حاکمیت باشد. بنابراین چنانچه قانون نتواند نظم و نسقی مطلوب در ساختارهای بنیادین نهاد قدرت ایجاد کند، این ناهمگونی قطعا به لایه‌های زیرین جامعه آنچنان سرایت خواهد کرد که تبعات آن قطعاً دامن‌گیر وضعیت حال و آینده ما خواهد شد و انتظار هیچ سامانی را نسبت به بهبود وضعیت ساختارها نمی‌توان داشت.

***کارشناس ارشد علوم سیاسی**

خبر

نامه سرگشاده سه تشکل معلمان در مخالفت با وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش

سه تشکل معلمان شامل انجمن اسلامی معلمان ایران، سازمان معلمان ایران و مجمع فرهنگیان ایران اسلامی، در نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس دولت سیزدهم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، اعتراض خود را به معرفی مسعود فیاضی به عنوان وزیر آموزش و پرورش اعلام کردند. به گزارش «مردم‌سالاری آنلاین»، متن این نامه بدین شرح است:

در کمال ناباوری در حالی که انتظار می‌رفت رئیس دولت سیزدهم، پیام مخالفت با گزینه قبلی معرفی شده را دریافت کرده باشد متاسفانه شاهد معرفی گزینه‌ای برای تصدی وزارت آموزش و پرورش هستیم که نه‌تنها نشان از عدم دریافت پیام فرهنگیان و نمایندگان مخالف بوده بلکه نشانه‌های نگران‌کننده‌ای از عدم شناخت این دستگاه مهم و اولویت نداشتن آن نزد رئیس دولت و حلقه مشاوران ایشان دارد.

به عنوان دبیران کل سه تشکل فرهنگی لازم می‌دانیم درخصوص وزیر معرفی شده برای تصدی وزارت آموزش‌وپرورش نکاتی را براساس وظایف انسانی، تشکیلاتی و حرفه‌ای یادآور شویم.

۱- آقای مسعود فیاضی تجربیات موثری در حوزه تعلیم و تربیت ندارند.

۲- آقای فیاضی بیش از نسبت با آموزش و آموزش فردی، حوزوی بوده و شناخت کمتری نسبت به اهداف آموزش و پرورش دارد.

۳- رشته تحصیلی آقای مسعود فیاضی ارتباط نزدیکی با تخصص‌های مورد نیاز در حوزه آموزش و پرورش ندارد.

۴- ایشان فاقد تجربیات مدیریتی موفق‌اند و به موضوع روابط انسانی موثر که سازنده تار و پود انگیزشی در سازمان بزرگ آموزش و پرورش است واقف نیستند.

۵- تنها وزیری موجه، محبوب، با اراده، متعهد و ترجیحا از بدنه جامعه معلمان می‌تواند از بحران‌های موجود در آموزش و پرورش، گره‌گشایی نماید. نکته‌ای که وجود و طرح آقای مسعود فیاضی را بلاموضوع می‌نماید.

ما دبیران کل سه تشکل، ضمن مخالفت صریح با وزارت آقای مسعود فیاضی، یادآوری می‌کنیم آموزش و پرورش طبق قانون اساسی خدمتی عمومی است و به وزیری فاقد حاشیه و جدای از انتصابات فامیلی و از جنس خانواده آموزش و پرورش نیاز دارد تا به تدریج از انحصار یک جناح و یک خط فکری خارج و به دست صاحب‌نظران حرفه‌ای و افراد باتجربه و کارآمد اداره شود.

حسین عظیمی، بازیگر پیشکسوت نمایش‌های آیینی و سنتی درگذشت

حسین عظیمی، بازیگر پیشکسوت تئاتر و از فعالان پرسابقه در عرصه نمایش‌های آیینی و سنتی بعد از سال‌ها مبارزه با بیماری کلیوی روز چهارشنبه (۱۹ آبان‌ماه) در ۷۴ سالگی درگذشت. محمدحسین ناصربخت، کارگردان و پژوهشگر نمایش‌های آیینی و سنتی به‌ویژه در حوزه تعزیه در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا ضمن تأیید خبر درگذشت زنده‌نام حسین عظیمی از هنرمندان پیشکسوت و سابقه‌دار در عرصه تئاتر به‌ویژه شاخه نمایش‌های آیینی و سنتی گفت: سال‌ها بود که زنده‌یاد عظیمی درگیر بیماری بود و در نهایت روز ۱۹ آبان‌ماه در ۷۴ سالگی دار فانی را وداع گفت.

وی با اشاره به آنکه چند سالی بود که این هنرمند پیشکسوت دچار بیماری کلیوی شده بود و طی هفته، سه بار مجبور به دیالیز بود یادآور شد: در ماه‌های اخیر وخامت حال او بیشتر شد. به‌گونه‌ای که خانواده مجبور به بستری کردن وی در بیمارستان شد. چند روز پیش، او از بیمارستان مرخص و به منزل آمد تا اینکه خبر رسید بار دیگر وضع جسمانی او بدتر شده تا آن که صبح روز نوزدهم آبان‌ماه در منزل شخصی‌اش از دنیا رفت. ناصربخت درباره مراسم تشییع و خاکسپاری این هنرمند فقید گفت: درحال‌حاضر برای برگزاری مراسم تشییع این هنرمند در حال برنامه‌ریزی هستیم و مقرر شده صبح پنجشنبه ۲۰ آبان‌ماه با تشییع پیکر او برای تدفین در قطعه هنرمندان در طبقه فوقانی مزار ناصر گیتی‌جاه بازیگر فقید تئاتر، سینما و تلویزیون به شکل محدودی تعدادی از هنرمندان و دوستان زنده‌نام عظیمی در کنار خانواده‌اش در بهشت زهرا(س) حضور به هم رسانیم. به گزارش ایرنا، حسن عظیمی نمایش‌های مختلفی را نوشته و کارگردانی کرده بود و به عنوان بازیگر نیز در آثار خود حضور داشت. زنده‌نام عظیمی را به‌عنوان رکورددار اجرا در تئاتر نصر می‌شناسند. وی در جشنواره‌های بین‌المللی فرانسه، اسپانیا، ارمنستان و بلاروس نیز اجرا داشت و کتاب از لاله‌زار تا شانزه لیزه را نیز به نگارش درآورده بود که توسط نشر افراز به چاپ رسیده است.

این بازیگر فقید در سال ۱۳۷۶ با بازی در فیلم سینمایی اسکادران عشق به کارگردانی سعید حاجی میری به‌طور جدی بازیگری در سینما را آغاز کرد.